

پژوهشگران

تئوری علمی - عربی
پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

سال چهارم (شماره ۱۱) /
آذر و دی / بهمن و اسفند ۱۳۸۵

مدیر مسئول: دکتر مهدی گلشنی

سر دبیره: محبتی زارعی

اعتدالی هستن خنوبی ده
پروین تر کشتی آذره
مجتبی زارعی، احمد سکار مقدم،
احمد کتابی، پرویز مشکین زاده
مظفر نامدار طالبانی

مدیر نشر: رحمتالله رحمتجوهر
ویراستار: عبدالرضا اجمعی
ترجمه انگلیسی: دکتر طابنده قنبر
ستول امور اجرایی: امیر اعتمادی
نسخه پردازی: نهدا رحمتجوهر
حروف نگار: فاطمه صفوی خوش چهره
تکس: محمدرضا گوردوزی
حسن مراد خانی
گرافیک: حجت حکیمی

نیوان، بزرگراه کرمان،
خیابان ۴۴
کد پستی ۱۴۳۷۴
صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵

تلف: ۰۲۱-۴۶۴۲۰-۸۸۰۴۶۸۹۱-۳
دورنگار: ۰۲۱-۴۶۴۲۰-۸۸۰۴۶۴۲۰

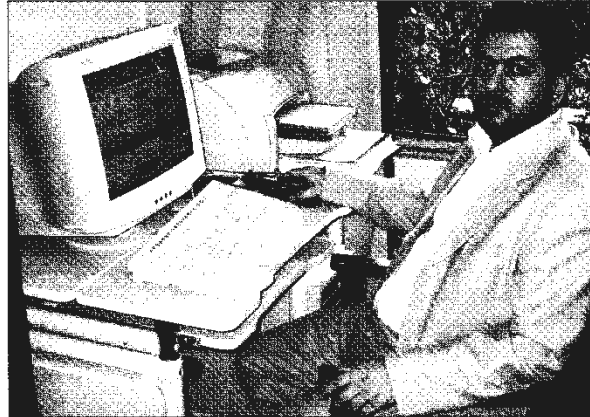


- کلام اول**
۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
- متن پیام ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت آغاز کنگره ملی علوم انسانی
مقاله‌ها
۶ - بیان‌های تنگ‌گیری ملیت ایرانی / دکتر محمدعلی فتح‌اللهی
- مباحث معرفت‌شناسی در علم اقتصاد / دکتر حسین میرجلیلی
- انسان کامل / دکتر محمدجواد شریعت
گفت‌وگو
۲۷ - تاریخ، فرهنگ و هویت ملی و زبان فارسی در گفت‌وگو با دکتر عنایت‌الله رضا / محمدرضا خسروی فر و سعید اسلام زاده
آشنایی با پژوهشگاه
۳۸ - پژوهشگاه اقتصاد
معرفی طرح‌های پژوهشی
۴۰ - رساله‌های در اخلاق و سلوک زبان / دکتر روح‌انگیز کرانچی
- آلابیون والادب العربی / قیس آل‌قیس
- المعجم المفهرس لأحادیث الشیعه عن الکتب الأربعة و معجم المفهرس احادیث و اقوال عرفانی به زبان عربی در متون زبان فارسی
- طرح تصحیح و تحشیه کفایه الطب / دکتر زهره پارمابور
- تصحیح نسخه خطی منشآت دیوان سلاطین مامسی / پروانه نیک‌طبع
گزارش‌های علمی
۴۶ - گزارشی از کنفرانس ملی، آموزش به دانشگاه بارلونا (۲) / دکتر سیدمحمد دامادی
- گزارشی کرسی نظریه پردازی: «تکوین و تکون هویت ایرانیان» / حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی
- روش تحقیق در عرصه علوم تجربی و علوم اجتماعی / استاد احمد سمعی
- گزارشی نشست چشم‌اندازهای برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در ایران و راهکارهای توسعه / سعید ناجی
- گزارشی از برگزاری کنگره ملی علوم انسانی در اسفندماه سال ۱۳۸۵ / دکتر مظفر نامدار
معرفی مراکز و مؤسسات علمی - پژوهشی
۷۳ - بنیاد ایران‌شناسی
معرفی و نقد
۷۹ - معرفی و بررسی کتاب آشنایی ایرانیان با فلسفه جدید غرب / امیر صادقی
- معرفی مجموعه «از ایران چه می‌دانم؟» / حسن باستانی‌راد
- چند چکیده از پایان‌نامه‌های دانش‌آموزان دوره دکتری رشته اندیشه سیاسی
پژوهشگاه
۹۲ - اختیار
- عملکرد معاونت و مدیریت پژوهشی (شش ماهه دوم ۱۳۸۵)
- خلاصه فعالیت‌های مهرماه الی اسفندماه سال ۱۳۸۵ گروه فیک
- نشست‌های گروه گویش‌شناسی
- مراسم تودیع مدیر کتابخانه‌های پژوهشگاه
چکیده‌های انگلیسی
۱۰۶
۱۰۷ - نکته‌ها

پژوهشگران از دریافت مقاله‌ها و آثار پژوهشی محل تم استقبال می‌کنند
مقاله‌های خود را به آدرس دکتر نشریه ارسال فرمایند
انتشار آثار رساله‌ها الزامی نیست و صرفاً بر رویه با نویسندگان تصمیم‌دهنده

مباحث معرفت‌شناسی در علم اقتصاد (۱)

نویسنده گان: شان هار گراور هپ و مارتین هونس
ترجمه: دکتر سید حسین میرجلیلی (۳)



علم اقتصاد با تکنیک‌های پیچیده‌اش چنان امیدهای بزرگی را مطرح ساخته است که فقدان یافته‌های مورد توافق، معمایی را به وجود می‌آورد. طرحی که در این مقاله ارائه می‌شود این است که فقدان توافق یاد شده، منعکس‌کننده یک معمای معرفت‌شناختی است که بخشی دربارهٔ چگونگی تشخیص یک قانون علمی و بخش دیگر دربارهٔ این است که آیا در هر شرایطی، تحقیق باید برای دستیابی به قوانین علمی باشد؟

با روش فرضیه‌ای - استنتاجی^(۱) و ایده استاندارد شروع می‌کنیم که در متون درسی اقتصاد اثباتی^(۲) مانند لیبی (۱۹۸۰) مطرح شده است. نظریه اقتصادی وقتی پیشرفت می‌کند که فرضیه‌ها با شواهد تجربی مواجه شوند. پس زمینه چنین دیدگاهی، تصویری تجربه‌گرایانه از جهان طبیعی است. این دیدگاه، جهان طبیعی را قلمرویی منظم و مستقل از تصورات، عقاید،

فرضیه‌ها و حدس‌های ما دربارهٔ آن می‌داند. علم، با آزمون حدس‌های ما این نظم را به گونه‌ای کشف می‌کند تا به قوانین یا فرضیه‌های علمی دست یابد که به ما بگوید با تغییر شرایط اولیه، چه اتفاقی رخ می‌دهد. خواه قوانین و مکانیسم‌های زیرینی بر جهان حاکم باشد خواه نباشد، معرفت ما از جهان، که برحسب قوانین علمی صورت‌بندی شده است تنها زمانی جواز (یا توجیه) تجربی پیدا می‌کند که مشاهده و آزمایش، تعمیم‌های ما را تأیید و حمایت کند.

به هر حال، روش علمی از جنس تعمیم است؛ یا تعمیمی از یک الگوی معلوم به مورد بعدی است (پیش‌بینی) یا (تعمیمی است) از یک نمونه خاص به الگویی که آن را دربردارد (تبیین). از این رو، پیش‌بینی و تبیین، دو روی تنها^(۳) آنکه معرفتی هستند، یعنی تجربه تعمیم یافته. بنابراین، جهان اقتصاد و دانش اقتصاد براساس این مدل از علم طبیعی توضیح داده می‌شود.

برای مقبول بودن این تجربه‌گرایی بسیار مبثالی، باید آن را به دو طریق تکمیل کرد؛ ابتدا باید آن چنان که در رویه علم اقتصاد آشکار است، به نظریه، نقش صریح تری داد، آن هم بدون آن که ادعاهایی مانند «پیش‌بینی، تنها آزمون صدق^(۴) است» را خدشه دار کند. یک مرجع خوب و عالی^(۵) در این زمینه، مقاله فریدمن (۱۹۵۳) است که نظریه اقتصادی را به «یک زبان» و مجموعه‌ای از فرضیه‌های اساسی^(۶) ربط می‌دهد. زبان «مجموعه‌ای از همان گویی‌ها» است و «کارکرد آن، عمل به عنوان یک نظام دسته‌بندی» است. «مجموعه‌ای از فرضیه‌های اساسی» به منظور تجریدی کردن خصیصه‌های ذاتی یک واقعیت پیچیده طراحی شده است. این که آیا خصیصه‌های درست در نظام دسته‌بندی، تجرید و درج شده است، منحصرأ به موفقیت پیش‌بینی‌های ناشی از آن بستگی دارد. این، شبیه تمایزی است که پورتیویست‌های منطقی بین گزاره‌های تحلیلی‌ترکیبی قائل‌اند؛ صدق گزاره‌های تحلیلی، تنها مبتنی بر معنای الفاظ است و این گزاره‌ها چیزی دربارهٔ عالم به ما نمی‌گویند؛ ولی صدق گزاره‌های ترکیبی، متکی به وقایع است. فرضیه‌های اساسی فریدمن در خدمت برقراری پیوندی میان نظریه محض (نظام دسته‌بندی) و جهان است، که در عین حال این اطمینان را ایجاد می‌کند که واقعیت‌های تجربی، تحقق پذیرند (با نظریه مطابقت پیدا می‌کنند).

مکمل دیگر، توضیح پاپر^(۷) از علم به عنوان حدس‌ها و ابطال‌ها است که در اثر (۱۹۶۳) وی ارائه شده است. با تأمل در این که نظریه‌های دوری^(۸) (نظریه‌هایی که همواره خودشان را تأیید می‌کنند و با هر گونه شواهد تجربی تأیید می‌شوند) مانند: نظریه‌های فروید^(۹) و مارکس که در نظر معتقدان به آنها همواره به وسیله تجربه تأیید می‌شوند، پاپر ادعای تأیید تجربی به عنوان آزمون صدق را تضعیف می‌کند. در عوض، این ابطال‌پذیری است که علم را از شبه علم^(۱۰) جدا می‌کند. اگر فرضیه H مشاهده O را نتیجه دهد، آنگاه مشاهده O، فرضیه H را اثبات نمی‌کند اما نقیض O، فرضیه H را ابطال می‌کند. بنابراین، یک نظریه علمی اصیل و واقعی باید آن شرایط تجربی ممکن را که در آن یک نظریه می‌تواند ابطال شود، به درستی بیان کند. یک قانون علمی، یک فرضیه تجربی است با حوزه و عمومیت کافی که در معرض ابطال است.^(۱۱) پاپر به زعم خود، با زیر سؤال بردن^(۱۲) ارزش استقرار، شکاف بزرگی در تجربه‌گرایی سنتی ایجاد کرد.

در هر حال، از نظر معرفت‌شناسی، ادعاهای مربوط به علم، هنوز با همان آزمون قدیمی مواجه است و واقعیت‌های مشاهده شده هنوز درخشان^(۱۳) هستند. (این عبارت اشاره به دیدگاه مشهور و کلاسیک پاپر دارد و ناظر به نوشته‌های اخیر وی نیست).

فلسفه علم متأخر^(۱۴) اشکالات جدی به رهیافت تجربه‌گرایانه برای قضاوت در مورد یک نظریه مطرح کرده است. براساس فرضیه کواین - دوثم،^(۱۵) نظریه علمی یک شبکه درهم تنیده^(۱۶) است که شامل گزاره‌های مشاهده‌ی ست و فقط می‌تواند به صورت یک کل، درک شود. کواین (در ۱۹۶۱) با بهره‌گیری از نوشته دوثم (۱۹۱۴) استدلال کرد که تجربه‌گرایی سنتی، متکی به دو عقیده جزئی غیرقابل دفاع است. یکی این است که حواس پنجگانه ما «اخبار خالص»^(۱۷) را به عنوان آزمون عینی و مستقل فرضیه‌ها به ما عرضه می‌کند و دیگر آن است که گزاره‌های معنادار آن طور که در بالا تعریف شد، به دو گزاره تحلیلی و ترکیبی تقسیم می‌شوند.

هر دوی این جزم‌ها باید طرد شود. عقاید ما یک شبکه درهم تنیده یک-جهت^(۱۸) از می-زد-یک میدان نیرو که در مرزهای خود با تجربه ارتباط می‌یابد. در لحظه آزمون شدن، آنها «در پیوند با یکدیگر به محکمه تجربه می‌روند و در ارزیابی نظرات، ما همواره دارای این انتخاب هستیم که چه چیزی (از جمله مشاهدات خودمان از بی‌بهره - ریگری کنبه یا رد کنبه - به جای یک فرضیه واحد H که دلالت بر مشاهده جلا نخورده O دارد، ما دارای مجموعه ... H و O - هستیبه که منحصراً - محمعه مسوق به نظریه^(۱۹) دیگری مانند ... O و O است.

چگونه ما دربارهٔ ارزیابی نظرات انجام می‌دهیم وقتی درمی‌یابیم که نمی‌توانیم هر دو مجموعه آن را حفظ کنیم، که ممکن است متأثر از معیارهایی مانند صرفه‌جویی، زیبایی یا باروری باشد که حکم معرفت‌شناسانه آنها در ارتباط مسئله قطعی نیست و از اتکا به واقعیت‌های اولیه فاصله دارد.

علم اقتصاد، مملو از مثال‌های فرضیه‌کواین - دوئیم است. «عرضه پول» یا «سطح عمومی قیمت» واقعیت‌های عریان نیستند. تعریف‌های گوناگونی از عرضه پول و راه‌های جمعی‌سازی قیمت‌ها وجود دارد و انتخاب یکی - جای دیگری منعکس‌کنندهٔ ملاحظاتی نظری خواهد بود. اقتصاددانان با توصیف داده‌هایی کار می‌کنند که اکنون دارای نظم تئوریک بوده‌اند، در آنها بنا شده‌اند و به نظر می‌رسد گریزی از آن نباشد. به طور مشابه، آزمون - هم پیوسته فرضیه‌ها در علم اقتصاد به دلیل نقش ایده «ثبوت سایر شرایط» به گونه‌ای نابه‌منجار پیچیده شده است. پیش‌بینی‌ها^(۱۳۱) همواره حاصل شرایط یکسان معینی هستند و اگر غلط از آب درآیند، اقتصاددانان غالباً می‌توانند دعوت کنند که به خاطر نقض شرط «ثبوت سایر شرایط» پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمده‌اند، خصوصاً وقتی همانند عربی مصرف، متغیرهای غیرقابل مشاهده‌ای مانند: رتبه‌بندی ترجیح یا توابع مطلوبیت وجود داشته باشد. - برین درمی‌یابیم که آزمون‌های تجربی در علم اقتصاد، غالباً غیرقطعی هستند. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد تعداد اندکی از اقتصاددانان نئوکلاسیک خواهان دست کشیدن از فرض همگنی (در غیاب توهم پولی) در نظریه مصرف هستند؛ نظریه‌ای که در اغلب موارد «بطلان» شده است. در واقع چنین به نظر می‌رسد که به رغم ژست مندوب احترام به پایر، علم اقتصاد مملو از نظریه‌های دوری است که در نگاه معقدان، همواره با تجربه تأیید می‌شود. بنابراین فرضیه کواین - دوئیم از لحاظ توصیفی، امکان‌پذیر است.

این نتیجه برای کوهن (۱۹۷۰) که استدلال می‌کرد حتی علوم طبیعی در مسیر مورد انتظار روش‌شناسی تجربه‌گرا پیشرفت نکرده است، عجیب نبود چرا که تاریخ علوم طبیعی به بهترین وجه به عنوان رشته‌های - پیوسته‌ای از پارادایم‌ها درک می‌شود. به نظر می‌رسد معمولاً مقصود کوهن از پارادایم، رویه‌های جاری تعریف‌کنندهٔ جامعه علمی حاکم و برخی اوقات مجموعه کمتر^(۱۳۲) مشخصی از پیش‌فرض‌های مشترک رایج یا حتی پیش‌بینی‌ها^(۱۳۳) است. پارادایم‌ها به دلایل بسیاری صعود و افول دارند، ولی هیچ‌گاه آزمون تجربی قاطع نیستند. - در نیم‌ها در اینجا فقط خلاف قاعده‌های بیشتر و بیشتری پیدا می‌کنند، وقتی شواهد تجربی مخالف انباشته می‌شود و این تنها وقتی است که پارادایم جدیدی ظاهر می‌شود که می‌تواند خلاف قاعده‌ها را دربرگیرد، و در - صورت، خلاف قاعده‌ها به عنوان مثال نقض الگوی مخالف^(۱۳۴) به حساب می‌آید. آنگاه انتقال پارادایم اتفاق می‌فتد. فایریند (۱۹۷۵) به این فرایند خلق سلاح تجربه‌گرایی تداوم بخشیده است، تأخیری که روشن نیست آیا - تحب نظریه اصلاً می‌تواند یک فرایند عقلانی باشد یا نه. این مطلب می‌تواند به عنوان دعوت به رهیافت - مدعه‌شناسی علم، قرائت شود. اگر هیچ دلیل نظری^(۱۳۵) خوبی در انتخاب نظریه وجود نداشته باشد، آنگاه باید - مع نشان‌های اجتماعی که بر مجامع علمی وارد می‌شود و هم فشارهای داخلی آن را مطالعه کنیم؛ فشارهایی که - تکمیل نظریه تأثیر می‌گذارد. در علم اقتصاد، می‌توان تردیدهایی را ذکر کرد که بر اساس آنها، سیطرهٔ اقتصاد نئوکلاسیک تا حد زیادی و امدار حمایت علنی آن از نظام بازار آزاد^(۱۳۶) است و پیچیدگی ریاضی آن را به بهترین - وجه می‌توان به مثابه ویژگی خاصی از یک حرفهٔ بسته دانست. اما بر داشتن گامی به سوی جامعه‌شناسی علم، تنها - تحب نیست.

لاکاتوش (۱۹۷۸) برای تأیید اندیشهٔ اصلی پایر^(۱۳۷) می‌پذیرد که واحدهای مهم را کل برنامه‌های پژوهشی - فرضیه‌های منفرد - تشکیل می‌دهند و از هستهٔ اصلی برنامه پژوهشی، اغلب با انجام اصلاحات مناسب در - فرضیه‌های کمکی یا «کمربند محافظه» در مقابل ابطال محافظت می‌شود. با این حال، برای قضاوت دربارهٔ یک - ر. م. پژوهشی باید دید که آیا این اصلاحات در کمربند محافظت، خصصتی پیشرو، رو به زوال یا خصصتی پسرونده - رند. اصلاحات پسرونده، خصصت موردی^(۱۳۸) داشته و فقط به آن مورد نقض یا ناهنجاری که ما را به انجام - اصلاحات و ادا می‌سازد، مربوط می‌شود. این درحالی است که اصلاحات پیشرونده، حوزه‌های جدیدی - در روی کاربرد نظریه ما می‌گشاید. به نظر می‌رسد که تمایز میان دو مفهوم پیشرونده و پسرونده، روش - بیدبخشی برای وارد کردن دوبارهٔ معیارهای تجربی در ارزیابی یک نظریه مطرح می‌کند. اما در عمل، این - مفهیم شبیه مفهوم قبلی ابطال، می‌تواند بسته به دیدگاه افراد مختلف تغییر یابد. آنچه از یک دیدگاه نظری، - پیشرونده به نظر می‌رسد، از دیدگاه دیگر می‌تواند خصصت موردی داشته باشد. برای آشنایی با این تحولات، - می‌توان به اثر سودمند هره^(۱۳۹) مراجعه کرد؛ برای ملاحظه نمایه‌ای از دیدگاه‌ها، ر. ک. به چالمرز (۱۹۷۶)؛ و برای - مضاعف یک اثر خوب دربارهٔ فلسفه علم تجربه‌گرا، ر. ک. به هه^(۱۴۰) (۱۹۸۰).

فلسفه اخیر، موجب می‌شود تعجب نکنیم از این که در فلسفه علم اخیر، روش‌شناسی‌های اقتصادی الهام - گرفته از تجربه‌گرایی، با مناقشه به حیات خود ادامه می‌دهند. اما منابع دیگری برای ایده‌های روش‌شناسانه - وجود دارد. وبر (۱۹۲۳) یک ترسیم جذاب اما مبهم در مورد تمایز میان توضیح و فهم اقتصاد را^(۱۴۱) «فهم طبیعی» - بحثیال توضیح^(۱۴۲) و فهم^(۱۴۳) ارائه داد. علوم طبیعی، به دنبال توضیح به وسیله قوانین علی هستند؛ علوم انسانی - به دنبال درک از طریق بازسازی جهان کنش‌گران از درون آن هستند. معمای دشوار این است که دیدگاه خود - عامل^(۱۴۴) در حوزه اجتماعی موضوعیت دارد، درحالی که این، در مورد علوم طبیعی صادق نیست. برخلاف جهان - طبیعی، جهان اجتماعی قلمرویی نظم‌یافته و مستقل از تصورات، عقاید، فرضیه‌ها و حدس‌های ما دربارهٔ آن - نیست. عقاید ما بر کنش‌های ما و در نتیجه بر نتایجی که ما در هر پژوهش تجربی مشاهده می‌کنیم، تأثیر می‌گذارد - درحالی که ذرات کوچکتر از اتم هیچ‌گونه عقایدی ندارند که بر نتایج جهان طبیعی اثر گذارند. این، برای یک

علم اقتصاد، مملو از
مثال‌های فرضیه

کواین - دوئیم است.

«عرضه پول» یا

«سطح عمومی

قیمت» واقعیت‌های

عریان نیستند.

تعریف‌های گوناگونی

از عرضه پول و

راه‌های جمعی‌سازی

قیمت‌ها وجود دارد و

انتخاب یکی به جای

دیگری منعکس

کنندهٔ ملاحظات

نظری

خواهد بود

روش‌شناسی تجربه‌گرا، که به دنبال قوانین علت و معلولی حاکم بر یک قلمرو مستقل است، معما می‌سازد. چگونه دانشمندان علوم اجتماعی درباره جهان، از داخل آن تحقیق می‌کنند و این یافته‌ها را با مقتضاهای عینیت ارتباط می‌دهند.

پاسخ ویر این است که بخشی از کار دانشمندان علوم اجتماعی، باید از طریق فرایندی از تفهم^(۳۹) (درون‌فهمی) که اصطلاحی کلیدی متعلق به سنت ایده‌آلیستی - هرمنوتیکی (تفسیری) آلمانی است صورت پذیرد. تفکر حاکم این است که آنچه رفتار را از کنش متمایز می‌کند، معنای درونی آن است و نهادها نیز رویه‌های معناداری هستند. اما «معنا»، یک مفهوم مبهم است که به تکرار ذهنی، بیشتر از آنچه یک دانشمند علوم اجتماعی می‌تواند بپذیرد، میدان می‌دهد. ویر سعی می‌کند ابهام «تفهم» را با تأکید بر عقلانیت کنش از دیدگاه کنشگر، کاهش دهد. وی مفهوم کنش عقلانی را از اقتصاد نئوکلاسیک وام می‌گیرد. در مقابل این انتقاد که آنچه در عمل انجام می‌دهیم همیشه عقلانی نیست، حتی وقتی به درون افراد نگاه می‌کنیم، وی پاسخ می‌دهد که با تعیین این که چه چیزی کاملاً عقلانی خواهد بود، می‌توانیم انحراف از نوع آرمانی^(۴۰) (به مثابه «مبیین»^(۴۱)) را مشخص کنیم. با این حال، روش، منحصر به تفهم نیست. علوم اجتماعی به دنبال کفایت در سطح معنا و کفایت در سطح علی است؛ مقصود از سطح علی، وجود همبستگی معنادار آماری است. در این صورت تفهم در نهایت کمتر گزیده‌ای بدیل برای توضیح^(۴۲) و بیشتر یک ابزار اکتشافی است؛ اما در عین حال، روزنه جالبی باز شده است.

ویر ریاضیات محض را از جمله موارد کاربرد تفهم ذکر می‌کند که فکر بلندپروازانه تری است و در خود علم اقتصاد بازتاب پیدا کرده است. فون میرز^(۴۳) (۱۹۴۹ و ۱۹۶۰) اقتصاد را به عنوان علم کنش انسانی، و نظریه اقتصادی را به عنوان ساختن انواع آرمانی از تخصیص عقلانی به نحو پیشینی^(۴۴) می‌داند که این معنا، معرفتی پیشینی را عرضه خواهد داشت و در مقابل تجربه‌گرایی قرار دارد. به طور مشابه، هایک (۱۹۶۰) و اتریشی‌های جدید وقتی اعتقادشان به فردگرایی روش‌شناختی را مبتنی بر پیش‌شرط‌های امکان‌پذیری انتخاب آزاد قرار داده‌اند، به کانت و معرفت پیشینی، تأسی جسته‌اند.

هر چند انتقال به معرفت‌شناسی عقل محض^(۴۵) کانتی، بیش از آنکه پاسخ‌هایی را پیش رو نهد، مسائلی بیشتری را ایجاد خواهد کرد، ولی در عین حال می‌تواند دلالت‌های (الترامی و تضمینی) جالب توجهی داشته باشد. به عنوان مثال نظریه «تعادل عمومی» اروپ - دبرو را در نظر بگیرید. این نظریه، احتمالاً نمی‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از فرضیه‌های تجربی یا به عنوان صرفاً یک نظام دسته‌بندی به حساب آید. طرفداران آن، استنباط جامعه‌شناسی علم را نخواهند پذیرفت که این نظریه را وابسته به ابتکارات حرفه‌ای می‌داند؛^(۴۶) و کاملاً به عنوان «نوع آرمانی» عمل می‌کند که برای قضاوت در مورد عملکردهای اقتصادی و ارائه توصیه‌های سیاستی استفاده شده است. اگر این نظریه بخواهد سنای قابل‌انکابی برای عمل باشد در مورد آن، چه ادعایی می‌توان مطرح کرد. یک پاسخ کانتی این است که باید حقیقت را بپذیرفت؛ بدین معنا که هر چه نتیجه تخصیص کاملاً عقلانی منابع در سراسر اقتصاد است^(۴۷) صحیح‌بدانیم. همانند ریاضیات که کانتی‌ها می‌افزایند (ریاضیات مجموعه‌ای از حقایق پیشینی^(۴۸) است که پذیرفتن آنها سخت است ولی با وجود این، چیزی است که نظریه، قول به آن را هدف خود قرار داده است که در مورد نظریه تعادل عمومی اروپ - دبرو معنای دیگری ندارد.

البته این رویکرد، رویکردی مورد مناقشه^(۴۹) حتی در ریاضیات محض است و در مورد علم اقتصاد به خاطر نقش عقلانیت در «انواع آرمانی» آن، به طور مضاعف صادق است. همه نمی‌پذیرند که نظریه تعادل عمومی اروپ - دبرو متضمن یک تخصیص عقلانی آرمانی است؛ هر چند تا حدی به اینکه چگونه «عقلانیت» تعریف شود، بستگی دارد. عقلانیت در تبادر اولی به طور استاندارد تعریفی ابزاری پیش می‌نهد که براساس آن تخصیص عقلانی، تخصیصی است که در آن کارترین ابزارها برای یک هدف معین پذیرفته می‌شود. یک دلیل برای این تعریف این است که این اعتقاد وجود دارد که بی‌مخاطره، به طرف تمایز اثباتی - هنجاری برویم و بخش‌های اصلی نظریه اقتصادی را از قضاوت‌های ارزشی، حفظ کنیم. این موضع، طرفداران سایر رهیافت‌ها خصوصاً اقتصاددانان سیاسی را که اظهار می‌دارند قضیه تعادل عمومی اروپ - دبرو دارای تعهدات ایدئولوژیکی است، راضی نمی‌کند. یک تفسیر کانتی آن خواهد بود که عقلانیت «نوع آرمانی»، الزاماً عقلانیت اهداف و همچنین ابزارها است. تخصیص منابع عقلانی به طور آرمانی، آن تخصیصی است که یک جامعه خوب یا عادلانه آن را انجام می‌دهد و یک انتخاب عقلانی آرمانی در تحلیل نهایی یک انتخاب اخلاقی است. اگر به جامعه‌شناسی کانتی‌ها رجوع کنیم ممکن است تمایز هنجاری - اثباتی نقض شود و علم اقتصاد را به جایگاه یک علم اخلاقی بازگرداند.

چالش در مورد تمایز هنجاری - اثباتی، پرسش‌های عمیق معرفت‌شناسانه را می‌گشاید. اما برخی اقتصاددانان خواهان پذیرش دیدگاه‌های ملهم از راولز^(۵۰) (۱۹۷۱) هستند. راولز با تعریف یک جامعه عادلانه به عنوان جامعه‌ای که تخصیص منابع آن تخصیصی است که عوامل (انسان‌ها) عقلانی بر آن توافق خواهند کرد، پیش از آن که بدانند که هر کس، از آن تخصیص چه به دست خواهد آورد، عقلانیت اقتصادی را با انتخاب اخلاقی مرتبط می‌سازد. در این صورت پرسش از سؤال‌های دقیق مربوط به مثلاً عقلانیت ترجیحات و این که در موارد تضاد، کدام یک از ترجیحات باید برآورده شود، امکان‌پذیر می‌شود. شاید بتوان گفت که این امید ناظر به شکل‌گیری یک علم هنجاری پیشینی است که دارای پیامدهایی برای کارایی و پیشرفت اخلاقی است. این به معنای جدی گرفتن این فکر است که دانستن این که چه کاری امر عقلانی آرمانی خواهد بود عبارت است از دانستن این که چگونه آن را بهتر انجام دهیم.

بدیع بودن معرفت‌شناسی راولز در استفاده از یک آزمایش فکری است که خوانندگان اثر وی را دعوت می‌کند تا خودشان را به جای انسان کاملاً عقلانی و منفعت‌طلبی بگذارند که نمی‌داند که آیا از هر ترتیب پیشنهادی، نفع خواهد کرد یا ضرر.

بدیع بودن معرفت‌شناسی راولز در استفاده از یک آزمایش^(۳۷) فکری است که خوانندگان اثر وی را دعوت می‌کند تا خودشان را به جای انسان کاملاً عقلانی و منفعت‌طلبی بگذارند که نمی‌داند که آیا از هر ترتیب پیشنهادی، نفع خواهد کرد یا ضرر. برداشت آنها از امر عقلانی، ناشی از این دلیل است که هر یک حداکثر سعی خود را می‌کنند تا حقوقی اساسی مساوی و حداکثر توزیع کالاها را برای خود تأمین کنند. این اثبات، جای مناقشه دارد ولی راولز مطمئناً به اقتصاددانان، خصوصاً در اقتصاد رفاه، اندیشه‌های جدیدی عرضه می‌دارد و دفاع جدیدی علیه این ادعا مطرح می‌کند که نظریه پردازی محض درباره تعادل‌های انعکاسی^(۳۸) تنها یک بازی قمار است.

این مقاله، با طرح این مطلب آغاز شد که فقدان نتایج بسیار در علم اقتصاد می‌تواند با اکتشافات عمده در علوم طبیعی، مقایسه شود که این مقایسه خود معماهایی درباره قوانین علت و معلول و ارزش جست‌وجوی آنها را مطرح می‌سازد. برخی از این معماها برای تمام علوم، مطرح هستند. شاهد آن، بحث‌های بی‌پایانی است که توسط کواپن، کوهن و سایرین آغاز شد. با این حال به نظر می‌رسد اعتقاد به تجربه‌گرایی بدوی در علم اقتصاد با مشکل مواجه باشند، زیرا هر کس تلاش می‌کند پیش‌بینی کند که چه کاری توسط عوامل (انسان‌ها) انجام خواهد شد، عواملی که خودشان عقایدی دارند و جهان‌شان به انتظارات آنها بستگی دارد.

تجربه‌گرایی بدوی، عقلانیت را از لحاظ معرفت‌شناسی، مفهومی مهم و هنوز ویژه، در علم اقتصاد می‌سازد، اما غیرمحتمل است که به معرفت‌شناسی عقل‌گرایی خام رهنمون باشد. از آن جایی که یک «نوع آرمانی» از حرکت بدون اصطکاک، حالت محدودکننده یا ضریب صفر اصطکاک است، از این رو نوع آرمانی انتخاب عقلانی، انتزاع از رفتار به قاعده نیست بلکه راه حلی برای یک مسئله نظری یا بعداً احتمالاً هنجاری است. حتی اگر علم اقتصاد هنوز به عنوان جست‌وجوی نوع مشکل قانون علی به حساب آید به جای آنکه به عنوان جایگزین تفکر علی باشد، این تفاوت، در نوع خود به قدر کافی بزرگ است تا مسایل معرفت‌شناسانه را حل کند. تغییری که در باور روی می‌دهد، مسیر رویدادهای اقتصادی را تغییر می‌دهد و گسستگی‌هایی را وارد می‌کند که انواع آرمانی عمل عقلانی را متفاوت از الگوهای بی‌زمان قواعد (نظم‌های) علی، می‌سازد. بنابراین مؤلفه (عنصر) تجویزی مفهوم عقلانیت، برای علم اقتصاد مهم باقی خواهد ماند، حتی اگر تنها برای پیش‌بینی باشد.

این مقاله، با طرح این
مطلب آغاز شد که
فقدان نتایج بسیار در
علم اقتصاد می‌تواند با
اکتشافات عمده در
علوم طبیعی، مقایسه
شود که این مقایسه
خود معماهایی درباره
قوانین علت و معلول و
ارزش جست‌وجوی
آنها را مطرح می‌سازد.
برخی از این معماها
برای تمام علوم،
مطرح هستند.

1. Shaun Hargraver, Issue-Heap & Martin Hollis, "Epistemological Issues in Economics" The New Palgrave, A Dictionary of Economics, 1987, Vol. 2, Pp. 166-168.

۲-۱۰ شماره پژوهشگاه اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی

3. hypothetico-deductive

4. positive economics

5. only

6. truth

7. neat

8. echoes

9. popper

10. circular

11. fruid

12. pseudo-science

13. has risked refutation

14. underminig

15. trumps

16. later

17. Quine-Duhem

18. Web

19. unvarnished news

20. seamless web

21. theory-laden

22. prediction

23. a more loosely specified

24. world views

25. counter-example

26. intellectual reason

27. free enterprise system

28. core of popper

29. Ad hoc

30. Harre

31. Hesse

32. weber

33. erklaren

34. verstehen

35. agent

36. Verstehen

37. ideal type

38. explanada

39. erklaren

40. Von mises

41. a priori construction

42. pure reason

43. it belongs to the initiation rites of the profession

44. aprioritruths

45. contentions

46. Rawls

47. Though-experiment

48. reflective equilibria